

شرق

رمضان ۱۳۴۹

بهمن ماه ۱۳۰۹

منابع تاریخ ایران

پیش از اسلام
و مورخین ارضی

۱۸۷

از تمام قسمت های تاریخ دو هزار و پانصد ساله ایران بلاشک تاریخ
ازمنه قبل از اسلام که دوره هزار و صد ساله ای را در بر دارد برای
ایرانیان امروز مهم تر است ، نخست از این حیث که ایران در آن زمان گاهی
یکی از دو دولت بزرگ دنیا و گاهی بیگانه دولت مقتدر جهان بوده است ،
دوم از این سبب که ایران یکی از عوامل مهم تمدن بشر بوده و این بنای استوار
تمدن انسان معماران چند داشته که یکی از آن معماران ایران هخامنشیان و ایران
ساسانیان بوده است ، سوم از این حیث که عظمت ایران در دوره های بعد از
اسلام هرگز بنیای آن مجد و شوکت پیش از اسلام نرسیده است و بالاخره از
این حیث که اغلب سلسله هایی که در ایران از اسلام پیغمبر سلطنت کرده اند از
نژاد و خون ایرانی خالص نبوده اند و اغلب تمدن ایران آمیختگی با تمدن ملل
بیگانه داشته ولی بالعکس در زمان هخامنشیان و ساسانیان همواره فرمانفرمایان ایران
از نژاد ایرانی پاک بوده اند و پیوسته تمدن ایران زاده سر زمین نیاکان ما بوده
و رنگ و بوی بیگانه بخود نپذیرفته است .

بهمن جهات برای ایرانی امروز که پیش از همه چیز متوجه تولید حس
نژادی و ملیست تحقیق در تاریخ پیش از اسلام ایران بمنزله شنك اساس تمدن

و پی دیوار پرستش ایرانست ولی متأسفانه تحقیق و تتبع در این زمینه بواسطه نداشتن منابع ایرانی و پراکنده بودن مآخذ زبانهای مختلف مستلزم دشواریها بسیارست شکی نیست که ایران در آن زمانهای پیش از اسلام از خود کتاب داشته است و صرف نظر از چند کتاب فارسی و عربی که در دوره اسلامی بتوسط ایرانیان تألیف شده و بقراین محکم مآخذ آنها کتبی بوده است از ایرانبای قدیم که تا قرن سوم و احياناً قرن چهارم هجری نیز در میان بوده دلائل و قرائن بسیار ست که در ایران پیش از اسلام کتب تاریخ بوده است که ایرانیان خود ترتیب داده اند و مورخین ملل مجاور ایران از قبیل مورخین ارمنی و یونانی و آشوری و سریانی و مورخین ییزانس (رومیة الصغری) مکرر باین معنی اشاره کرده و حتی بعضی مطالب را بصراحت تام از کتب ایرانی برداشته اند که درین مختصر جای آن نیست و مقاله ای جداگانه می‌خواهد. اما پس از آنکه اعراب ایران را تصرف کردند و شاید هم در آن دوره قترنی که یونانیان و سلوکی ها بر ایران مسلط بودند در نتیجه حوادث پی در پی و مخصوصاً در نتیجه متروک ماندن زبان در مدت بسیار مدید آن کتب گران بها تا چیز شده و از میان رفته است و اینک جز لهف و اسف چیزی نتواند جای آنرا گرفت .

۱۸۸

بهمین جهت در این زمان که ما میخواهیم در تاریخ قدیم دیار خود تحقیق و تتبع کنیم چاره جز آن نیست که دست بدریوزه یازیم و از کتب ملل یگانه یاری بخوایم ، زیرا که جز چند کتاب پهلوی که بیشتر آنها در مسائل مذهبی و کمتر آن ها داستان و فقه است و جز چند کتیه و سکه دیگر از اسناد ایرانی چیزی برای ما نمانده است . اما خوش بختانه اسنادی که از ملل دیگر مانده است تا درجه ای جبران این تنگ دستی را می‌کند و باآنکه بعضی از آن مؤلفین کوشیده اند از حقیقت عظمت ایران بنفع ملت خود بکامند و حقیقت را غرض آلود کنند باز از خلال سطور ایشان مجدد و بزرگی ایران چون نثار گان تابناک می درخشند ، منتهی پر تو آن اندکی خفیف ترمی شود .

اینک منابعی که برای تاریخ ایران در ادوار پیش از اسلام مانده بدو قسمت تقسیم میشود :

نخست منابع ایرانی که چندان وسعت ندارد و عبارتست از کتیه ها و سکه های پادشاهان هخامنشی و ساسانی ایران و پس از آن بعضی از کتب مذهب زرتشت بزبان پهلوی که جسته جسته مطالب تاریخی از آن می توان استنباط کرد و اغلب آن کتب در دوره اسلامی تألیف شده و پس از آن بعضی کتب بهای

فارسی و عربی که در قرون اسلامی بتوسط ایرانیان یا یکی دوفتر از اعراب مطلع بامور ایران تالیف شده و یا مطالب آنرا مستقیماً از کتب ایرانی تالیف شده پیش از اسلام برداشته اند و یا چون مؤلفین آنها نزدیک بهمد ساسانیان بوده اند از زبانها و از حافظه خود و داستانهای که در اذهان ایرانیان پشت پشت مخمر شده بود مطالبی بیش یا کم انقراق آمیز در آن گنجانیده اند و چون این مقام را گنجایش ذکر آن ~~مکتب~~ و منابع نیست باید مقالات جداگانه پرداخت .

اما قسمت دوم که وسیع ترست شامل تمام کتب و رسالیست که ملل مجاور ایران در تاریخ خود پرداخته اند و چون همواره تاریخ ایشان رابطه مستقیم با تاریخ ایران داشته در ضمن وقایع دیار خود مطالبی دریاب نیاکان ما ثبت کرده اند . از حیث قدمت نخست مأخذ کلدانی و آشوریست که عبارت باشد از کتیبه ها و استوانهائی که پادشاهان بابل و نینوا ترتیب داده اند و در قسمت تاریخ مادها و مقدمات سلطنت هخامنشیان شامل فوایدی چندست . پس از آن کتب مورخین یونانی را باید قرار داد که بعضی از آن درمتهای اعتبارست و هرچه اسناد بیشتر بدست آید بر اعتبار و صحت مندرجات آن میفزاید . پس از آن مورخین رومی آمده اند که ایشان نیز در کتب خود مطالبی دریاب ایران در زمان اشکانیان و ساسانیان دارند ولی البته مندرجات کتب ایشان با اهمیت مندرجات کتب یونانیان نیست . پس از تجزیه امپراطوری روم از يك طرف مورخین بیزانس و از طرف دیگر مورخین سریانی آسیای صغیر نیز آشنائی با ایران داشته اند و مخصوصاً پس از آنکه کلیسای ادس مرکز مذهب نصاری شرق واقع شد و آن نواحی در قلمرو ایران واقع گشت و کشفکش مذهب زرتشت و مذهب ترسایان در قلمرو ساسانیان در گرفت در کتب مذهبی و در تراجمی که از شهادی نصارا و پیشوایان مذهب نوشته اند اطلاعاتی در باب ایران می توان یافت که البته اغلب آنها بغرض آلوده است . در همان اوان بعضی ملل کوچک که از بقایای نژاد آشوری در خاک ایران باقی مانده بودند و هنوز ایلات نصاری مغرب و شمال غربی ایران را تشکیل میدهند و مذهب نصاری نستوری را پذیرفته بودند بزبانی که پس از پذیرفتن زبان آرامی در میان ایشان درست شده بود بتالیف کتب تاریخ راجع بنور پرداخته اند و ایشان را باید آمیزی نامید چنانکه خود این اسم را پذیرفته اند ولی بخطا ایشان را در ایران امروز کلدانی میخوانند . آفریگان ایران نیز در کتب خود مطالب در تاریخ ایران دارند که درجه عرض آمیزی آن بتراجم خفیف تر از کتب ~~سریانیست~~

ملت دیگری که اندکی پیش از آن و در اواسط سلطنت اشکانیان شروع بتألیف کتب کرده است ملت ارمنیست. هرچند که مورخین ارمنی نیز چندان بی طرف نبوده اند و حسد و بغض خویش نسبت بایران و کوتاه نظری های پی در پی خود را آشکار میسازند ولی چون در مدت نزدیک بهزار و پانصد سال همواره کتب تاریخ تألیف کرده اند می توان از کتب ارمنی برای تحقیقات این مدت مدید بهره مند شد و از زمان اشکانیان پیعده همواره کتبی یافت که در تاریخ ایران مفید فوایدی باشد و بدستیاری این کتب می توان تاریکی های بسیار از تاریخ ایران را در اواخر دوره اشکانیان و تمام دوره ساسانیان روشن کرد. عده این کتب بسیارست و برای هر یک از آنها مقاله ای باید پرداخت ولی چون این نکته برای کسانی که می خواهند در تاریخ پیش از اسلام ایران تحقیقات کنند اهمیت بسیار دارد بعضی از مهم ترین مورخین ارمنی قدیم را اسم می برم :

از قرن دوم پیش از میلاد تا قرن هفتم میلادی همواره کتبی بزبان ارمنی یا در باب تاریخ ارمنستان در دستست که باید آنها را به دسته تقسیم کرد : نخست کتبی که در تاریخ ارمنستان بزبانهای دیگر بجز زبان ارمنی نوشته بودند و در قرون بعد دانشمندان ارمنی آنها را بزبان خود ترجمه کرده اند و از آن جمله است کتبی بزبان کلدانی و بزبان یونانی قدیم. دوم کتبی که دانشمندان ارمنی بزبانهای بجز زبان خود تألیف کرده اند و در آن عداست چند کتاب بزبان یونانی. سوم کتبی که مورخین ارمنی بزبان خود که زبان ارمنی قدیم باشد پرداخته اند و البته شماره آنها بیشترست. چون همواره حوادث ارمنستان با وقایع ایران پیوستگی بسیار داشته است از کتب مورخین ارمنی اطلاعات گوناگون در تاریخ اعصار مختلف ایران می توان بدست آورد.

نخستین کتاب از حیث قدمت و تاریخ قدیم ارمنستان و تألیف دمار آپاس کاتینا، Mar Apase Catana است که اصل آن بزبان کلدانی بوده و بفرمان اسکندر مقدونی آنرا یونانی ترجمه کرده اند و موسی خورنی معروفترین مورخین ارمنی که ذکر او پس ازین خواهد آمد آنرا بزبان ارمنی در آورده و در جزو آثار خویش گنجانیده است. این کتاب بفرمان و والاراساس Valarsaces (بلاش) معروف به میتربدات، Misirbdate اول (مهرداد) پادشاه ارمنستان که از جانب برادرش اشک پنجم پادشاهی ارمنستان مامور شد تدوین یافته و این

پادشاه که مؤسس سلسله اشکانیان ارمنستان است از ۱۴۹ تا ۱۲۷ پیش از میلاد پادشاهی کرده است. پس از آن ، باردسان ، Bardesane مورخ بوده است که کتابی در تاریخ داشته و اینک فقط قطعاتی از آن بزبان ارمنی و یونانی و سریانی باقی مانده است. پس از وی ، کوتزیون ، Korioun مورخ ارمنی بوده است که در حوالی نیمه دوم قرن پنجم میلادی می زیست و کتابی در ترجمه حال ، مسرپ ، Mesrop معروف مخترع و مبتکر خط ارمنی دارد و در ضمن در باب رواج مذهب نصارا دو ارمنستان و مداخلات دولت ساسانی درین کار مشحون از اطلاعات سودمند است. در همان زمان مورخ دیگری بوده است که کتاب او معروفست با اسم آکاتانژ ، Acathange یا آکاتانگلس ، Acathanghelos و از این کتاب هم متن ارمنی و هم ترجمه یونانی بدستست . در باب اسم این کتاب یا نام مؤلف آن در میان محققین اختلافست : بعضی گویند که آکاتانگلس ، بمعنی ، بشیر ، و مؤده آور ، است و نام کتابست ولی در مقدمه جلد اول کتاب دیباجه ایست که بموجب آن این کلمه نام مؤلف کتابست که در روم ولادت یافته و دبیر ، تیریدات ، Tiridate ، تیر داد ، پادشاه ارمنستان بوده ، در هر صورت این کتاب از بهترین مؤلفات مورخین ارمنیست و کتابیست در تاریخ سلطنت ، گریگور روشنگر ، Grigore l' Illuminateur و تیرداد مزبور. پس از آن تاریخ معروف ، فستوس ، ییزانسی Fantus de Byzance از مشاهیر مورخین ارمنستانست که کتابیست در تاریخ عمومی ارمنستان از قدیم ترین زمان تا عهد مؤلف یعنی تا سال ۳۹۲ میلادی که بعد بزبان ارمنی ترجمه کرده اند .

پس کتاب تاریخ ، لروبنای ادبی ، Léroubna d' Édesse است که اصل آن بزبان سریانی بوده و بعد بارمنی ترجمه کرده اند و پس از آن تاریخ ، دان ، Daron یکی از ایالات ارمنستان قدیم از زنب گلاگی ، Zénob de Glag که آنهم بزبان سریانی بوده و بارمنی ترجمه شده . مؤلف مزبور نیز در همان قرن می زیسته و اهمیت کتاب او در اینست که کشمکش های مذهب بت پرستی ارمنستان و مرزبانان ایران را که حکام ارمنستان از سوی ساسانیان بوده اند با مروجین مذهب نصارا در ارمنستان بدقت تام ضبط کرده است . مؤلفی دیگر ، ژان مامی گنیان ، Jean Mamigonian از طایفه معروف مامی گنیان ها که یکی از خاندانهای تاریخی ارمنستان بوده و در همان قرن باز بزبان سریانی تفسیمه ای بر تاریخ دارن تالیف زنب گلاگی نوشته که آنرا نیز بارمنی ترجمه کرده اند .

در همین زمان شاعری حماسه سرا ، الیزه ، Elisée نام منظومه سیار مهمی که باید

آنها شهنامه ملت ارمینی نامید در پیدادگری های حکام ساسانی برای بر انداختن مذهب نصارا در ارمنستان و دلاوری های « وارطان مامی گنیان » *Vartas Mamigonian* پهلوان متعصب معروف ارمینی و رستم ارمنستان سروده است که هر چند تعصب ملی دافنه غلو و اغراق را در آن بجائی رسانده است که تا درجه ای برای ایران و هن آمیزست ولی باز شهادت قراین تاریخی اساس آن چندان دور از حقیقت نیست. در همین قوف چند نفر مورخ بوده اند که بزبان یونانی کتبی در تاریخ ارمنستان پرداخته اند ولی آن کتب اینک در میان نیست و فقط قطعاتی از گفتارهای ایشان مانده است که مورخین ارمینی بزبان خود و مخصوصاً موسس خورنی معروف در آورده و در کتب خود گنجانیده اند و از آن جمله است : « پلیکرات » *Poliyorate* و « اواگراس » *Evagoras* و « کامادروس » *Camadrus* و « فلکن ترالسی » *Phlégon de Tralles* و « فلاویوس ژزف » *Flavius Josèphe* و « المپیس آنی » *Olympius d' Ani* و « آریستن پلانی » *Ariston de Pella* و « خرهپود » *Khorohpoud* و « فیرمیلین قسری » *Firmilien de Césarée* و « ارپید » *Herpide* و « کالیستن » *Callisthène* و « گرگوار مازیترس » *Grégoire Magistros* و « سنت ایفان » *Saint Epiphane* .

سپس مورخی دیگر بوده است باسم « لازارفاری » *Lazare de Pharbe* که کتابی در سیرت « واهان مامی گنیان » *Vahan Mamigonian* از همان سلسله قهرمانان ارمنستان پرداخته و مخصوصاً ذکری بسیار سودمند از عواقب بر افتادن اشکانیان و جلوس ساسانیان در ارمنستان دارد .

در قرن هفتم میلادی « سبئوس » *Sébéos* کشیش ارمینی تاریخی از سلطنت هرا کلیوس *Héraclius* امپراطور رومیه الصغری نوشته است که حتی در تاریخ رومیه الصغری نیز سندست و مخصوصاً بعضی مطالب مفید در فتح جنگهای اعراب در ارمنستان و مقدمات تسخیر نواحی شمال غربی ایران دارد .

سپس « موسی کالانکاتی » *Moïse de Kalankat* مورخ که مخصوصاً از حوادث ممالک ماوراء قفقاز در آن زمان شرح مبسوطی آورده است .

در دوره سلطنت سلسله یاگرادی ارمنستان چند نفر مورخ درباری بوده اند که از آن جمله است « ژان کاتولیکوس » *Jean Katholikos* و « طماس » *Thomas Artzerouni* که در ضمن تاریخ خانواده « واسپوراکان » *Vasporaken* را نوشته اند که در جنگهای ارمنستان با ایران و رومیه الصغری و از آفات کرمهای برود کرده اند و این دو کتاب برای ایران از جهت مطالب جدید اهمیت بسیار دارد .

در همین عصر مورخی دیگر بوده است با اسم «الین آچلیک» Etienne Acheghlik که کتاب مبسوطی با اسم «تاریخ عالم» دارد و قسمت دوم آن تاریخ سلسله باگرا دیست و پس از او «اوخطانیس» Oukhtannés مؤلف «تاریخ ارمنستان» و «آریستاکس لاشتیورتی» Aristakes de Lastiverte که تاریخ انهدام شهر «آنی» Ani از شهرهای ارمنستان را ضبط کرده است.

دیگری از مورخین ارمنی «الیزه وارتابید» Hiséé Vartabed است که تاریخ وارطان و جنگهای ارمنستان را نوشته و این کتاب نیز شامل فواید بسیاری است. کتاب دیگری که هر چند کتاب تاریخی نیست ولی دارای فواید تاریخی بسیار است کتابیست با اسم «رد عقاید» تالیف «ازنیک گوغی» Ezniq de Goghé که در آن دلایلی بر رد مذاهب مختلف آن زمان آورده و مخصوصاً فصل دوم آن که در رد مذهب ایرانیانست دارای جزئیاتی از عقاید ایرانیان پیش از اسلام می باشد و در تحقیق تاریخ عقاید و افکار ایران قدیم بسیار مفیدست.

از میان تمام مورخین ارمنی بلاشک مهم تر و جالب تر و معتبر تر «موسی خورنی» است که ارمنیان او را با اسم «موسس خورناثری» Mousses Khorenaëzi و اروپائیان با اسم Moïse de Khorone می شناسند و وی از شهر «خورنی» Khoroni یا «خورونک» Khoronk از شهرهای ایالت دآرن بوده است و در نیمه قرن چهارم میلادی زندگی می کرده. این مورخ معروف که او را «هرت ارمنستان» لقب داده اند مؤلف کتاب بسیار مشهوری در تاریخ ارمنستان است از قدیم ترین زمان تا عهد خود که جامع کلیه اطلاعات اسلاف و معاصرین او در تاریخ آن دیار می باشد و بهترین مجموعه از داستانهای قدیم و روایات ملی ارمنستان و تاریخ آن سزمین در ادوار تاریخیست و کتابیست که باغلب از زبانهای تمدن امروزی ترجمه شده و یکی از نواقص زبان فارسی آنست که هنوز ترجمه ای ازین کتاب ندارد. همین جهت مجله شرق بهمه گزفته است ترجمه این کتاب را که برای مؤلفین و محققین ایرانی سودمندست تقدیم خوانندگان خود کند. مؤلف مزبور کتاب دیگری هم دارد در جغرافیا که خلاصه ای از تمام اطلاعات علمای جغرافیای قدیم تا زمان اوست.

سعید نفیسی

